

تحلیل و بررسی عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مهارت‌های زبانی از دیدگاه استادان و دانشجویان این رشته

عیسی متقی‌زاده^{۱*}، دانش محمدی رکعتی^۲، محسن شیرازی‌زاده^۳

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- پژوهشگر زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۸/۱۲/۱۶

دریافت: ۸۸/۹/۱۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین مشکلات دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی، ضعف در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی است؛ برای تحلیل و ریشه‌یابی این ضعف، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار که متخصصان آموزش زبان‌های خارجی و مدرّسان مهارت‌های زبانی عربی، بر آنها تأکید کرده‌اند مشخص و سپس میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در ضعف دانشجویان، از نظر استادان و دانشجویان بررسی شد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: «مهم‌ترین عوامل بی‌نشاطی دانشجویان در یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی»، «میزان مفید و کارآمدی بسته‌های آموزشی موجود»، «میزان کارآمدی شیوه‌های ارائه دروس مربوط به مهارت‌های زبانی»، «میزان انگیزه دانشجویان و ماهیت آن»، «میزان کارآمدی روش‌های تدریس استادان برای بالا بردن نشاط دانشجویان» به صورت کلی و «میزان کارآمدی روش‌های تدریس مربوط به مهارت شنیداری» به عنوان یک مهارت مهم، به صورت خاص. روش تحقیق، پیمایش، ابزار تحقیق، پرسشنامه و شیوه تحلیل داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف بسیاری از گمان‌ها، دانشجویان نسبت به یادگیری مهارت‌های زبانی عربی بی‌انگیزه نیستند، بلکه این بی‌نشاطی است که به اشتباه بی‌انگیزه‌گی به شمار می‌رود. از عوامل مهم این بی‌نشاطی و ضعف، «روش‌های نامناسب تدریس»، «فقدان بسته‌های آموزشی مناسب»، «کارآمد نبودن کلاس‌های آزمایشگاه زبان به علت

استفاده نکردن از فنون شنیداری مناسب» و... است.

واژه‌های کلیدی: انگیزه زبان‌آموزی، آموزش زبان، مهارت‌های زبانی و آموزش زبان عربی.

۱. مقدمه

با وجود تحولاتی که طی سال‌های اخیر در آموزش زبان عربی در ایران به وجود آمده است، آموزش این زبان همچنان با مشکلات بسیاری مواجه است؛ از جمله می‌توان به مشکلات بخش آموزش مهارت‌های زبانی عربی اشاره کرد. دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی با وجود گذراندن هجده واحد دروس مکالمه، آزمایشگاه و انشاء، پنج واحد ترجمه، دو واحد روزنامه و مجلات عربی و دو واحد نامه‌نگاری، همچنان بعد از فارغ‌التحصیلی از مرحله کارشناسی، دچار مشکلات فراوانی در به‌کارگیری این مهارت‌ها هستند.

شکی نیست که عوامل ضعف دانشجویان زبان و ادبیات عربی در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی آن، از یک سو ناشی از عوامل کلی و از سوی دیگر، ناشی از عوامل خاص است. منظور از عوامل کلی، عواملی است که در بیشتر رشته‌های علوم انسانی نیز یافت می‌شود؛ عواملی چون جایگاه نامناسب علوم انسانی در ایران، مدرک گرایی، حاکمیت تفکر مهندسی و... (رسولی، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۳).

عوامل خاص نیز عواملی است که فقط مربوط به دانشجویان رشته عربی است. این عوامل شامل مواردی چون جایگاه زبان عربی در بین دانشجویان در مقایسه با زبان‌های دیگر، وضعیت کتاب‌های درسی در مدارس، وضعیت گروه‌های عربی در دانشگاه‌ها، شیوه‌های تدریس دروس عربی در دانشگاه‌ها و ... است (همان: ۴۷). بدیهی است که هیچ مطالعه‌ای نمی‌تواند تمام جزئیات عوامل تأثیرگذار را بررسی کند؛ از این‌رو نگارندگان به بررسی چند مؤلفه مهم و تأثیرگذار در یادگیری مهارت‌های زبانی پرداختند که هم مورد توجه متخصصان آموزش زبان‌های خارجی است و هم مدرسان دروس مربوط به مهارت‌های زبانی عربی در مصاحبه‌های خود با نگارندگان، بر آن‌ها به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ضعف دانشجویان در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی تأکید کرده‌اند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

- الف) مؤلفه‌های کلی مربوط به سؤال‌های استادان: مهم‌ترین عوامل بی‌نشاطی دانشجویان در یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی، میزان مفید و کارآمدی بسته‌های آموزشی موجود و میزان کارآمدی شیوه‌های ارائه دروس مربوط به مهارت‌های زبانی؛
- ب) مؤلفه‌های کلی مربوط به سؤال‌های دانشجویان: میزان انگیزه دانشجویان و ماهیت آن، میزان کارآمدی روش‌های تدریس استادان برای بالا بردن نشاط دانشجویان به صورت کلی و میزان کارآمدی روش‌های تدریس مربوط به مهارت شنیداری به عنوان یک مهارت مهم، به صورت خاص و میزان مفید بودن بسته‌های آموزشی.
- شایان ذکر است که تأکید بر مؤلفه‌های یادشده به معنی انکار مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگر نیست؛ بلکه موارد بسیار دیگری وجود دارد که گنجانده شده آن‌ها در این مقاله امکان‌پذیر نیست. این پژوهش می‌کوشد با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده، به سؤالات زیر پاسخ دهد:
۱. از نظر استادان، کدامیک از مهارت‌های چهارگانه، کمتر در آموزش زبان عربی مورد توجه قرار گرفته است و دانشجویان در آن ضعیف‌تر هستند؟
 ۲. مهم‌ترین عوامل بی‌نشاطی دانشجویان در یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی از نظر استادان کدامند؟
 ۳. میزان کارآمدی روش‌های ارائه دروس مربوط به مهارت‌های زبانی از نظر استادان چقدر است؟
 ۴. میزان مناسب بودن بسته‌های آموزشی موجود، از نظر استادان و دانشجویان چقدر است؟
 ۵. از نظر دانشجویان، روش‌های تدریس دروس مربوط به مهارت‌های زبانی برای بالا بردن نشاط و شادابی یادگیری آنان، چه میزان کارآمدند؟
 ۶. از نظر دانشجویان، میزان کارآمدی روش‌های تدریس در دروس مربوط به مهارت شنیداری، چه قدر است؟
 ۷. با توجه به سؤال‌های مطرح‌شده از استادان و دانشجویان، در مجموع، عوامل اصلی ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

- از جمله مقالاتی که به بررسی آموزش مهارت‌های زبانی در ایران پرداخته‌اند عبارت‌اند از:
- ۱- میرزایی و نظری (۱۳۸۴: ۱۴۳-۱۱۳) در مقاله «ارائه یک الگوی آموزشی مناسب جهت کسب مهارت خواندن زبان عربی برای دانشجویان رشته حقوق»، به بررسی مهارت خواندن در بین دانشجویان رشته حقوق پرداخته‌اند. نویسندگان، توجه به دو نکته اساسی یعنی ساختار و اعراب را از جمله مهم‌ترین اصول آموزش و یادگیری مهارت خواندن در زبان عربی دانسته‌اند. همچنین، تعیین هدف و انتخاب یک روش مناسب را که در برگیرنده چهار مؤلفه مهم یعنی گزینش، درجه‌بندی، ارائه و تکرار باشد، از مهم‌ترین اصول آموزش برشمرده‌اند.
 - ۲- شکیب انصاری (۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۸۸) نیز در مقاله «نقد و بررسی آموزش مکالمه عربی در دانشگاه‌ها»، به بررسی مهارت صحبت‌کردن با زبان عربی پرداخته و آموزش آن را در ایران، بسیار ناکارآمد دانسته است.
 - ۳- قائم (۱۳۸۶: ۲۱۵-۲۲۸) در مقاله «آموزش مهارت نوشتن در ایران؛ موانع و راهکارها»، مهم‌ترین مشکل آموزش نوشتن زبان عربی را در ایران، فقدان منابع متناسب با سطح و فرهنگ زبان‌آموزان ایرانی دانسته و پیشنهاد می‌کند کتاب‌هایی در این زمینه تألیف شود که در بردارنده مهم‌ترین الفاظ و اصطلاحات پرکاربرد در نوشتار عربی باشند.
- بعضی از مقالات نیز به بررسی مشکلات آموزش زبان عربی در ایران، نه مشکلات آموزش مهارت‌های زبانی به شکل خاص، پرداخته‌اند که عبارت‌اند از:
- ۱- «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران: مبانی تعریف گرایش‌ها» از حجت رسولی (۱۳۸۴: ۴۳-۵۸): نویسنده در این مقاله جایگاه نامناسب زبان عربی در ایران، کم‌استعدادی دانشجویان زبان عربی، جایگاه نامناسب علوم انسانی، بی‌انگیزگی دانشجویان زبان عربی، روش‌های نامناسب تدریس استادان، برنامه‌های درسی نامناسب و ابزارهای آموزشی بی‌کیفیت را از جمله عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانسته است. مهم‌ترین راهکار نویسنده برای رفع این مشکلات، تأسیس گرایش جدیدی در حوزه آموزش زبان عربی است.
 - ۲- سلیمی (۱۳۸۶: ۱۷۵-۱۹۸) در مقاله «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران: نقص‌ها، کاستی‌ها و راهکارها»، سنتی بودن شیوه‌های آموزش و قواعد محور بودن آن‌ها را،

از مهم‌ترین مشکلات آموزش و یادگیری زبان عربی در ایران دانسته و راهکارهایی چون توجه به محوریت متن، لزوم تقسیم‌بندی قواعد بر مبنای بسامد کاربرد و لزوم تأسیس گرایش‌های جدید در سطوح عالی آموزش ارائه داده است.

پژوهش حاضر، ضمن توجه به مقالات یاد شده و با مراجعه به نظریات متخصصان آموزش زبان‌های خارجی، سعی کرده است مهم‌ترین عوامل ضعف دانشجویان را در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی عربی کشف کند؛ از این رو به نظر می‌رسد استفاده از نظریات متخصصان آموزش زبان‌های خارجی، به صورت گسترده و جمع‌آوری دیدگاه‌های استادان و دانشجویان با تکیه بر این نظریات و سپس، نتیجه‌گیری با استناد به دو حوزه نظری (نظریات متخصصان) و عملی (دیدگاه اساتید و دانشجویان)، از نوآوری‌های این پژوهش در آموزش زبان عربی به شمار می‌آید.

۳. روش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری پژوهش

در این تحقیق از روش پیمایش برای به‌دست آوردن اطلاعات و دیدگاه‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل دو گروه مدرّسان مهارت‌های زبانی در رشته زبان و ادبیات عربی در گروه‌های عربی شش دانشگاه کشور و دانشجویان ترم‌های ششم و هفتم مرحله لیسانس رشته زبان و ادبیات عربی، در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و شهید بهشتی است. انتخاب دانشجویان ترم‌های ششم و هفتم از این رو است که همه این دانشجویان واحدهای دروس مربوط به مهارت‌های زبانی (مکالمه، آزمایشگاه، انشاء، نامه‌نگاری، فن ترجمه، ترجمه از عربی به فارسی و برعکس، روزنامه و مجلات عربی) را گذرانده‌اند. روش نمونه‌گیری از دانشجویان، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. در هر دانشگاه به تناسب تعداد دانشجویان ترم‌های ششم و هفتم آن دانشگاه نسبت به تعداد کل دانشجویان ترم‌های ششم و هفتم سه دانشگاه، نمونه‌گیری انجام شد. سپس بین دانشجویان ترم‌های ششم و هفتم گروه عربی در هر دانشگاه به تعداد نمونه‌های مشخص شده، به صورت تصادفی، دانشجو انتخاب و پرسشنامه میان آنان تقسیم شد. ده نفر از مدرّسانی که در گروه‌های عربی دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، شهید بهشتی، شیراز، یزد و تربیت معلم سبزوار هم‌اکنون به تدریس دروس مربوط به مهارت‌های زبانی مشغولند و یا تجربه تدریس در این زمینه را دارند، با شناختی که

نگارندگان این مقاله از آنان داشتند انتخاب شدند.

جدول ۱ توصیف جامعه آماری دانشجویان

۷۶ نمونه انتخاب شده از دانشجویان		
۲۱ (۲۷/۶۳۱) دانشجوی پسر		۵۵ (۷۲/۳۶۸) دانشجوی دختر
تعداد نمونه‌های دانشگاه شهید بهشتی	تعداد نمونه‌های دانشگاه علامه طباطبایی	تعداد نمونه‌های دانشگاه تهران
۲۰	۲۳	۲۳

۴. ابزار پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه محقق‌ساخته است. از آنجا که نمونه مشابه برای پرسشنامه این تحقیق وجود نداشت، نگارندگان با مطالعه نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان حوزه آموزش زبان‌های خارجی، پرسشنامه این پژوهش را تهیه کردند. پرسشنامه، برای دو گروه استادان و دانشجویان تدارک دیده شده است. پرسشنامه اساتید دارای چهار سوال و پرسشنامه دانشجویان دارای پنج سوال است. در پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است؛ به طوری که عدد ۱ نشان‌دهنده ارزش خیلی کم و عدد ۵ نشان‌دهنده ارزش بالا بوده است.

شایان ذکر است که هدف این پرسشنامه بررسی نظرات اساتید و دانشجویان است و کارکردی شبیه مصاحبه دارد و فقط برای سهولت امر و امکان بررسی تعداد بیشتری از افراد، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

برای بررسی اعتبار پرسشنامه دانشجویان از نمونه‌ای مقدماتی و به تعداد ۲۰ نفر از آن‌ها استفاده شد که بر اساس آن میزان آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳۲ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار مناسب پرسشنامه است. همچنین میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه اساتید برابر با ۰/۸۲۱ است.

برای بررسی روایی پرسشنامه، از دیدگاه و نظریات اساتید و کارشناسان آموزش زبان‌های خارجی استفاده شد؛ به طوری که پرسشنامه برای هفت تن از اساتید و کارشناسان

ارسال شد و پس از اعمال نظرهای آن‌ها، با کمی تغییرات، مورد استفاده قرار گرفت. در واقع، روش اعتبارسنجی این پرسشنامه با تکیه بر مرتبط بودن سؤال‌ها با مفاهیم مورد نظر و با توجه به نظر کارشناسان این فن صورت گرفته است.

۵. ادبیات نظری تحقیق

۱-۵. انگیزه و نقش آن در آموزش زبان

«به بیان ساده، انگیزه‌داشتن یک نیاز جسمانی یا نیاز روانی و اجتماعی است که شخص را برای نیل به هدف به حرکت وامی‌دارد تا در پرتو آن به ارضاء خود پرداخته و در اثر دستیابی به هدف خویش احساس رضایت نماید. میزان و نوع انگیزه در کیفیت و کمیت فرایند یادگیری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و معلم زبان در ایجاد انگیزهٔ زبان‌آموزان در یادگیری زبان نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند» (گرجیان، ۱۳۷۲: ۲۰).

طبقه‌بندی‌های متعددی در رابطه با انواع مختلف انگیزه مطرح شده است. گاردنر و لمبرت (۱۹۷۲: ۵۵-۷۰) جزو اولین کسانی بودند که بحث‌هایی را راجع به موضوع انگیزه در یادگیری زبان دوّم مطرح کردند. آنان به دو نوع اصلی انگیزه تحت عناوین «انگیزه ابزاری» و «انگیزه سازگاری»^۱ اشاره کردند. انگیزه ابزاری در یادگیری زبان دوّم، انگیزه‌ای است که در آن هدف زبان‌آموز از یادگیری زبان صرفاً مسائلی در رابطه با پیشرفت‌های اجتماعی و شخصی مانند پیشرفت شغلی است. از سوی دیگر، انگیزهٔ سازگاری به نوعی از انگیزه اطلاق می‌شود که در آن، هدف زبان‌آموز آشنایی هرچه بیشتر با فرهنگ، سنّت و هویت کاربران زبان مقصد است. در واقع، انگیزهٔ سازگاری در درجات بسیار بالای خود می‌تواند تبدیل به انگیزهٔ تلفیقی^۲ شود؛ به این معنی که انگیزهٔ زبان‌آموز از یادگیری زبان دوّم، عضویت در گروه کاربران زبان مقصد است.

از طبقه‌بندی‌های دیگر انگیزه، می‌توان به طبقه‌بندی «انگیزه درونی» و «انگیزه بیرونی»^۳ اشاره کرد (گاردنر و لمبرت، ۱۹۷۲: ۲۸-۴۴). در مطالعات اخیر، بسیاری از صاحب‌نظران انگیزه را به عنوان یک فرایند مورد بررسی قرار می‌دهند، نه یک محصول و بیشتر به بررسی انگیزه در هر یک

1. instrumental and integrative motivation
2. assimilative
3. extrinsic and intrinsic motivation

از مهارت‌ها و زیرمهارت‌های زبانی (دورنیه، ۲۰۰۱: ۶۳-۷۷).

۱-۱-۵. راه‌های افزایش انگیزه

یکی از حوزه‌های دیگری که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است بررسی روش‌های ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان است (دورنیه، ۲۰۰۱: ۵-۲۰؛ دورنیه، ۲۰۰۶: ۱۲۲-۱۳۸؛ دورنیه و سیزر، ۱۹۹۸، ۲۰۳-۲۲۹). به عنوان مثال دورنیه و سیزر (۱۹۹۸: ۲۱۵-۲۱۷) چند عامل کلیدی را برای ایجاد انگیزه و بالا بردن آن در زبان‌آموزان بیان می‌کنند که از آن میان می‌توان به: «ایجاد محیط خوشایند و صمیمانه در کلاس»، «ایجاد ارتباط مناسب با زبان‌آموزان و تشویق تلاش‌های آنان»، «دادن اعتماد به نفس به زبان‌آموزان از طریق شرکت‌دادن آن‌ها در بحث‌های کلاسی»، «استفاده از روش‌های متنوع در تدریس» و «هدف‌مند کردن یادگیری» اشاره کرد.

نظریه‌پردازان بر نقش معلم به عنوان یک نقش اساسی در ایجاد انگیزه و افزایش آن در زبان‌آموزان تأکید دارند. (گرجیان، ۱۳۷۲: ۱۴). در واقع «در هر وضعیت آموزشی سه عنصر اساسی وجود دارد: یادگیرنده، معلم و روش آموزش. یادگیرنده را به ما می‌دهند با استعداد و رغبتی کم و بیش و توانایی تمرکز حواس خاص خود. ما می‌توانیم بر میزان رغبت او اثر بگذاریم؛ به این ترتیب که سعی کنیم دائماً او را برانگیزیم» (ژیرار، ۱۳۶۵: ۲۵).
معلم‌ان می‌توانند از طریق استفاده فراوان از تکنولوژی روز همچون شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای که در تمام شئون زندگی بشر نفوذ کرده‌اند، کارکردهای زبان موردنظر را به زبان‌آموزان یادآوری کنند تا انگیزه آنان را برای یادگیری آن زبان بالا برند (همان: ۱۴).

۲-۵. مهارت شنیداری و آموزش زبان دوم

پیش از این مهارت شنیداری، نوعی مهارت غیرپویا به شمار می‌آمد که توجه زیادی را در برنامه درسی به خود جلب نمی‌کرد، اما امروزه، شنیدن، یک فرایند فعال و پویا به شمار می‌رود که می‌تواند تأثیر به‌سزایی در یادگیری زبان دوم داشته باشد؛ از این رو توجه خاصی را از سوی آموزگاران زبان دوم می‌طلبد (مورلی، ۱۹۹۹: ۸۱-۹۷). هرچند در ابتدا مهارت شنیدن در تمرینات ساده «بشنو و تکرار کن» خلاصه می‌شد، امروزه تدریس این مهارت بیشتر به سوی

الگوبرداری از زندگی حقیقی و در راستای ایجاد توانش ارتباطی در زبان‌آموزان است (همان). تحقیقات متعددی در رابطه با تأثیر روش‌های مختلف آموزش بر روی توانایی شنیداری زبان‌آموزان صورت گرفته است؛ به عنوان مثال هرون، کول، یورک و لیندن (۱۹۹۵) در مطالعه‌ای که بر روی گروهی از زبان‌آموزان مبتدی فرانسه انجام دادند، آنان را به سه گروه تقسیم کردند؛ گروه اول پیش از دیدن فیلم، خلاصه‌ای شش خطی از آن را خواندند. گروه دوم پیش از دیدن فیلم خلاصه‌ای از فیلم را در قالب تعدادی سؤال مطالعه کردند و گروه سوم نیز نقش گروه کنترل را داشت. نتایج به دست آمده نشان داد که هر دو گروهی که قبل از دیدن فیلم خلاصه متنی آن را دیده بودند، عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل داشتند که هیچ‌گونه پیش‌زمینه‌ای راجع به فیلم نداشت. شایان ذکر است خبری یا سؤالی بودن متن پیش از فیلم، تفاوت عمده‌ای بین دو گروه ایجاد نکرد. نتایج این تحقیق بر لزوم دادن اطلاعات پیش‌زمینه به زبان‌آموز قبل از شنیدن، تأکید دارد (۲۳۷-۲۴۷).

به‌طور خلاصه، کارشناسان و نظریه‌پردازان آموزش زبان‌های خارجی راهکارهایی را برای استفاده بهینه از فعالیت‌های شنیداری، پیشنهاد کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱- تلاش مداوم و پی‌درپی برای تلفظ حروف و تشخیص دادن این حروف از یکدیگر و تلفظ آنها به صورت صحیح، قبل از ورود به فعالیت‌های شنیداری پیشرفته (ولتر، ۲۰۰۸: ۲۵۲-۲۵۳)؛

۲- انتخاب موضوعاتی که زبان‌آموز، دارای اطلاعات پیشین در مورد آنها است؛ به عبارت دیگر موضوعاتی که زبان‌آموز دارای دانش زمینه نسبت به آنها است (همان، ۳۱۵)؛

۳- دادن اطلاعات پیش‌زمینه به زبان‌آموز درباره موضوع، قبل از وارد شدن به مرحله شنیداری (میرحسینی، ۱۳۷۶: ۳۴)؛

۴- تلاش برای درک محتوا و سرفصل‌های مهم از سوی زبان‌آموز به جای تک تک کلمات؛ زیرا توجه یا نگرانی در مورد فهمیدن تمام کلمات یا معنای آنها، زبان‌آموز را از دنبال کردن موضوع باز می‌دارد و او را مأیوس می‌کند (همان)؛

۵- انتظار نداشتن از زبان‌آموزان در به خاطر سپردن تمام مطالبی که در فعالیت‌های شنیداری، می‌شنوند؛ زیرا زبان‌آموزان اغلب مطالب را درک می‌کنند ولی قادر نیستند تمام مفهوم متن را به خاطر بسپارند (چستن، ۱۳۷۸: ۳۰۴-۳۰۵)؛



۶- بحث، مناقشه، سؤال و جواب و نتیجه‌گیری بعد از شنیدن (میرحسینی، ۱۳۷۶: ۳۵).

۳-۵. بسته‌های آموزشی

در متدولوژی آموزش زبان خارجی، وسایل آموزشی از اصلی‌ترین قسمت‌ها به‌شمار می‌رود. وسایل آموزشی شامل تمامی امکاناتی است که مدرس برای تسهیل در امر آموزش به‌کار می‌برد. از جمله وسایل آموزشی، می‌توان به بسته‌های آموزشی اشاره کرد. بسته‌های آموزشی شامل کلیه معلوماتی می‌شوند که با هدف آموزش زبان به‌صورت کتاب، نوار آموزشی، فیلم و.. جمع‌آوری شده‌اند. در این میان اهمیت کتاب درسی کاملاً واضح است و انتخاب درست آن می‌تواند تا حدودی، عملی بودن و نتیجه‌بخش بودن فرایند آموزش را تضمین کند (گروه زبان‌شناسی کاربردی و آموزش زبان‌ها، ۱۳۶۲: ۵۲).

موارد زیر از ویژگی‌های اصلی یک کتاب مناسب برای آموزش زبان به‌شمار می‌روند:

- ۱- بهره‌جستن از توصیه‌های زبان‌شناسان، آواشناسان و دستوردانان (ژیرار، ۱۳۶۵: ۴۹)؛
- ۲- داشتن امکانات صوتی؛
- ۳- جالب و جذاب بودن متن‌های آن (همان، ۱۷-۱۸)؛
- ۴- استفاده از متون متنوع که تمامی امور روزمره را پوشش دهد؛
- ۵- رنگی بودن عکس‌ها و تصاویر؛ زیرا این امر بر جذابیت کتاب برای زبان‌آموز می‌افزاید؛
- ۶- داشتن تمرین‌های کافی (همان)؛
- ۷- گنجاندن مطالبی در مورد ویژگی‌های فرهنگی، نقاط دیدنی، جشن‌ها و روزهای تاریخی، طبیعت و بزرگان ادب و هنر و آداب و رسوم کشوری که زبان آن تدریس می‌شود (همان: ۵۰)؛
- ۸- داشتن مکمل‌های صوتی و تصویری؛
- ۹- اهمیت یکسان دادن به مهارت‌های گفتاری و مهارت‌های شنیداری؛
- ۱۰- ایجاد استقلال در زبان‌آموزان (کراهنک، ۱۹۸۷: ۶۳).

۴-۵. تدریس مهارت‌های زبانی میان دو شیوه تلفیقی (الوحدة)^۱ و مجزا (الفروع)^۲

نگاهی اجمالی به سیر تحول روش‌های آموزش زبان به‌خوبی نشان می‌دهد که این روش‌ها

1. integrative
2. isolated

در ابتدا بیشتر تحت‌تأثیر رفتارگرایی در روان‌شناسی و ساختارگرایی در زبان‌شناسی بودند. پایبندی کم و بیش بسیاری از روش‌های آموزش زبان به این دو مکتب، طبعاً سبب گرایش این روش‌ها به ارائه زبان خارجی به صورت قطعه‌قطعه و مجزا و با تأکید بر تکرار و تمرین است (برون، ۲۰۰۰: ۵۲-۷۰).

در سه دهه اخیر، تحت‌تأثیر بسیاری از نظریات جدید در زبان‌شناسی و روان‌شناسی، مانند نظریه نقش‌گرایی هالیدی^۱، مدل توانش زبانی بکمن^۲، روان‌شناسی کل‌گرای گشتالت^۳ و نظریات ساختارگرایانه پیازه^۴ و ویگوتسکی^۵، روش‌های آموزش زبان گرایش بیشتری به کل‌نگری و مطابقت با زندگی واقعی داشته‌اند. یکی از مباحث کلیدی که در این دوره مورد توجه قرار گرفته است موضوع اصالت^۶ است (ویدوسون، ۱۹۹۰: ۲۵-۸۰؛ ۲۰۰۳: ۶۲-۱۳۰). این مفهوم در واقع به مطابقت متون و فعالیت‌های آموزشی با آنچه در زندگی واقعی برای یک زبان‌آموز ممکن است رخ دهد اشاره دارد و یکی از ویژگی‌های مهمی است که برای روش تدریس معلمان و ماهیت بسته‌های آموزشی ذکر می‌شود. بدیهی است که روش‌های قدیمی‌تر که تحت‌تأثیر ساختارگرایی هستند، گرایش بیشتری به ارائه مطالب به صورت مجزا دارند. حال آنکه در روش‌هایی که اخیراً مورد توجه قرار گرفته‌اند، تأکید عمده بر ترکیب اجزای زبانی و ارائه آنها به صورت تلفیقی است (کومار اوادیولو، ۱۹۹۴: ۲۸-۴۹).

به تعبیر آسان‌تر شیوه تلفیقی که بر اصولی روان‌شناسی، تربیتی و زبانی استوار است، زبان را به عنوان یک واحد به هم‌پیوسته و هماهنگ بررسی می‌کند. اسلوب تدریس در این شیوه، موضوع‌محور و یا متن‌محور است؛ به طوری که همه فعالیت‌های زبانی مثل خواندن، نوشتن و... بر گرد محوریت موضوع و یا متن می‌چرخند. در این روش زبان به صورت یکپارچه، همان‌گونه که در موقعیت‌های طبیعی به‌کار می‌رود، استعمال می‌شود (الرکابی، ۱۹۸۶: ۲۷؛ کراهنک، ۱۹۸۷: ۳۰-۴۴). در حالی که روش تدریس مجزا، زبان را به عنوان یک نظام مجزا می‌داند که دارای اجزایی مانند اصوات، کلمات، واژه‌ها و... است. این اجزا مطابق با قواعد نحوی منظم شده‌اند (چستن، ۱۳۷۸: ۵۸۴).

1. Halliday
2. Bachman
3. Gestalt
4. Piaget
5. Vygotsky
6. authenticity

طرفداران روش تدریس به صورت مجزا، بر این باورند که این روش، مدرس را قادر می‌سازد که به صورت اختصاصی به هر مهارت بپردازد و به‌خوبی حق آن را ادا کند. در مقابل از عیوب این روش هم می‌توان به پراکنده‌کردن زبان به عنوان یک واحد یگانه و خارج کردن آن از جوهر و طبیعت واقعی آن و همچنین عدم رشد متعادل زبان و مهارت‌های آن نزد زبان‌آموزان اشاره کرد (الرکابی: ۱۹۸۶: ۲۸-۲۹).

از این رو بسیاری از نظریه‌پردازان آموزش زبان‌های خارجی، بر ضرورت آموزش یکپارچه زبان، تأکید می‌کنند. براون معتقد است که در کلاس‌های آموزش زبان باید فعالیت‌های مختلف با هم انجام پذیرد و آموزش یک مهارت به‌طور جداگانه و مجرد از مهارت‌های دیگر چندان مفید نیست. در نتیجه، تلفیق شنیدار با گفتار و احتمالاً یادداشت‌برداری، خواندن و نوشتار، ترکیبی مناسب برای یادگیری و بسط قدرت زبان آموزان در سطوح مختلف یادگیری است (میرحسینی، ۱۳۷۶: ۳۸-۳۹). «بنابراین یک کلاس مکالمه نمی‌تواند یک کلاس گفتاری باشد؛ بلکه این کلاس باید همچنین شامل تمرین گوش‌کردن نیز باشد. هیچ کلاس نوشتاری نیز در واقع یک تمرین برقراری ارتباط نیست تا اینکه خواندن قسمت تکمیلی آن باشد. اگر درصد رشد کلاس نوشتاری یا گفتاری هستید و گوش‌دادن یا خواندن را از آن حذف کنید، آن کلاس غیر واقعی و غیر خلاق خواهد بود» (چستن، ۱۳۷۸: ۳۰۴).

۶. تحلیل داده‌های پژوهش

۶-۱. تحلیل داده‌های مربوط به اساتید

۶-۱-۱. مهارتی که در آموزش زبان عربی کمتر مورد توجه قرار گرفته و دانشجویان در آن ضعیف‌تر هستند.

سؤال ۱: کدامیک از مهارت‌های چهارگانه، کمتر در آموزش زبان عربی مورد توجه قرار گرفته است و دانشجویان در آن ضعیف‌تر هستند؟

داده‌های تجربی این سؤال، نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از استادان، در سطح بالایی مهارت شنیداری را به عنوان مهارتی که کمتر به آن توجه می‌شود و دانشجویان نیز در آن ضعیف‌تر هستند، مطرح کردند. ۱۰ درصد نیز در سطح بالا مهارت مکالمه و ۱۰ درصد هم مهارت نوشتن را به عنوان مهارت‌هایی که کمتر به آن‌ها توجه شده در نظر گرفتند.

۶-۱-۲. مهم‌ترین عوامل بی‌نشاطی دانشجویان در یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی

سؤال ۲: موارد زیر تا چه اندازه در بی‌نشاطی دانشجویان زبان و ادبیات عربی، در یادگیری و رشد مهارت‌های چهارگانه این زبان مؤثرند؟

عناصر معنایی هشت گفتار این سؤال عبارت‌اند از: ۱- جایگاه زبان عربی در جامعه ایران؛ ۲- نگرش دانشجویان نسبت به کاربرد زبان عربی؛ ۳- بی‌توجهی استادان به واحدهای مهارت‌های زبانی نسبت به دروس دیگر مثل صرف و نحو و متون؛ ۴- نگرش دانشجویان نسبت به دشواری یادگیری مهارت‌های زبانی؛ ۵- بی‌انگیزگی مدرسانی که این مهارت‌ها را تدریس می‌کنند؛ ۶- روش‌های تدریس مهارت‌های زبانی؛ ۷- نبود بسته‌های آموزشی مناسب و ۸- عدم تأثیر دروسی همچون مکالمه، آزمایشگاه و انشاء در امتحان فوق لیسانس و دکترا. این داده‌ها نشان می‌دهد که تأثیرگذارترین عامل، روش‌های تدریس این مهارت‌ها است که ۹۰ درصد از استادان در سطح بالا به آن رأی داده‌اند. ۸۰ درصد از استادان نیز در سطح بالا فقدان بسته‌های آموزشی مناسب را انتخاب کردند. ۳۰ درصد از استادان بر نبود آینده شغلی مناسب و ۲۰ درصد نیز بر نگرش دانشجویان نسبت به دشواری یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی، در سطح بالا تأکید کردند. بقیه عناصر با درصدهای متوسطی توسط استادان انتخاب شدند.

۶-۱-۳. میزان کارآمدی بسته‌های آموزشی موجود

سؤال ۳: از نظر شما بسته‌های آموزشی زیر، که در دانشگاه‌های ایران برای تدریس مهارت‌های زبانی عربی استفاده می‌شوند، تا چه اندازه کارآمد و جواب‌گویی نیازهای دانشجویان است؟ عناصر معنایی چهار گفتار این سؤال عبارت‌اند از: ۱- کتاب‌هایی که در زمینه مکالمه تألیف شده‌اند؛ ۲- جزوه‌هایی که هر استاد ممکن است به صورت پراکنده، برای تدریس در نظر بگیرد؛ ۳- نوارهای کاست آموزشی و ۴- فیلم‌هایی که به زبان عربی هستند. بررسی مجموع داده‌های به دست آمده از چهار گفتار این سؤال نشان داد که، ۱۷/۵ درصد از استادان معتقد به جواب‌گو بودن این بسته‌ها در سطح بالا، ۲۵ درصد از آنان معتقد به جواب‌گویی در سطح متوسط و ۵۲/۵ درصد از آنان معتقد به جواب‌گویی در سطح پایین هستند.

۶-۱-۴. میزان کارآمدی شیوه‌های ارائه دروس مربوط به مهارت‌های زبانی

سؤال ۴: با توجه به موارد زیر نظر خود را در مورد پراکندگی و تشنّت میان ارائه و تدریس

دروسی مثل مکالمه، آزمایشگاه و انشاء بیان کنید؟

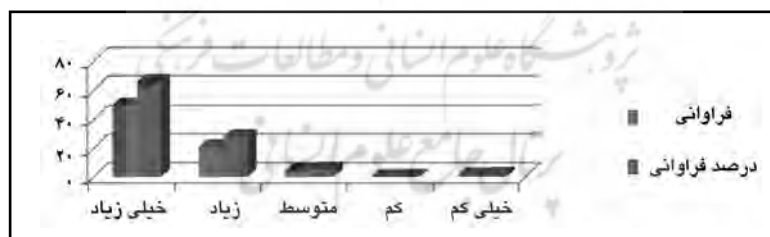
عناصر معنایی در سه گفتار این سؤال عبارت‌اند از: ۱- این پراکندگی سبب رشد نامتوازن مهارت‌های زبانی در دانشجویان می‌شود؛ ۲- این پراکندگی سبب یادگیری بهتر دانشجویان در هر کدام از این مهارت‌ها می‌شود و ۳- سرفصل‌های تعیین شده این درس از سوی گروه یا دانشگاه، مانع از تدریس این مهارت‌ها (درس) به صورت یکپارچه می‌شود.

داده‌های تجربی نشان می‌دهد که در گفتار اول ۹۰ درصد از استادان در سطح بالایی با این موضوع موافقتند که این پراکندگی در ارائه این درس سبب رشد نامتوازن مهارت‌های زبانی در بین دانشجویان می‌شود. در گفتار دوم نیز ۵۰ درصد از آنان در سطح بالا و ۴۰ درصد از آنان در سطح پایین، معتقد بودند که این پراکندگی سبب یادگیری بهتر دانشجویان در هر کدام از این مهارت‌ها می‌شود. ۶۰ نیز در سطح بالایی پذیرفته‌اند که التزام به تشنّت و پراکندگی در تدریس این مهارت‌ها، به علت سرفصل‌های تعیین شده‌ای است که گروه و دانشگاه برای آنان در نظر گرفته است.

۶-۲. تحلیل داده‌های مربوط به دانشجویان

۶-۲-۱. میزان انگیزه دانشجویان و ماهیت آن

سؤال ۱: یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی (شنیداری، گفتاری، خواندن و نوشتن) را تا چه اندازه ضروری می‌دانید؟



نمودار ۱ میزان ضرورت فراگیری مهارت‌های زبانی از نظر دانشجویان

نمودار فوق، داده‌های تجربی مربوط به میزان ضرورت یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی،

از نظر دانشجویان را نشان می‌دهد.

داده‌های تجربی نشان می‌دهد که ۶۵/۸ درصد از دانشجویان موردنظر، ضرورت یادگیری و رشد این مهارت‌ها را بسیار بالا می‌دانند؛ در حالی که فقط ۱/۳ درصد از این دانشجویان به ضرورت بسیار کم یادگیری این مهارت‌ها معتقدند. این داده‌ها به خوبی نشان می‌دهد که اولین قدم در راه کسب مهارت‌های زبانی، که درک ضرورت فراگیری این مهارت‌ها و داشتن انگیزه است، به خوبی در میان دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی وجود دارد.

سؤال ۲: با توجه به موارد زیر، نظر خود را در مورد انگیزه خود از یادگیری مهارت‌های

زبانی عربی بیان کنید؟

۱- ارتباط با اهل این زبان؛ ۲- کاربردی بودن زبان عربی و این‌که زبان عربی زبان رسمی حدود بیست کشور است؛ ۳- آشنایی با فرهنگ کشورهای عربی؛ ۴- استفاده از آن در مواقع ضرورت، مثل سفر به یک کشور عربی؛ ۵- دست پیدا کردن به شغلی مناسب؛ ۶- آموختن معلومات جدید؛ ۸- علاقه به قرآن و متون دینی و ۷- لذت‌بخش بودن صحبت کردن به زبان عربی، نوشتن و خواندن با آن.

داده‌های تجربی به دست آمده از این سؤال، نشان می‌دهد که ۹۰/۸ و ۸۹/۳ درصد از دانشجویان به ترتیب در سطح بالایی، علاقه به قرآن و متون دینی و علاقه به ارتباط با اهل این زبان را به عنوان مهم‌ترین انگیزه خود در فراگیری مهارت‌های زبانی انتخاب کردند. ۸۸/۲ درصد از آنان در سطح بالا، استفاده از این زبان در مواقع ضرورت مثل سفر به کشوری عربی، ۸۲/۹ درصد در سطح بالا، دست پیدا کردن به شغلی مناسب، ۸۲/۹ درصد در سطح بالا آموختن معلومات جدید، ۸۰/۳ درصد در سطح بالا لذت‌بخش بودن صحبت کردن، فهمیدن، خواندن و نوشتن به زبان عربی، ۶۹/۳ درصد در سطح بالا، کاربردی بودن زبان عربی و این‌که زبان رسمی حدود بیست کشور است و ۶۴/۵ درصد نیز در سطح بالا آشنایی با فرهنگ کشورهای عربی را به عنوان مهم‌ترین انگیزه‌های خود در یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی عربی، اعلام کرده‌اند.

۲-۶. میزان کارآمدی روش‌های تدریس استادان برای بالابردن نشاط دانشجویان

سؤال ۳: مدرسان شما در درس مربوط به مهارت‌های زبانی، تا چه اندازه از ابزارهای زیر



برای افزایش نشاط و شادابی شما استفاده کرده‌اند؟

عناصر معنایی شش گفتار این سؤال عبارت‌اند از:

۱- تشویق تلاش‌ها و پیشرفت‌های دانشجویان در این مهارت‌ها؛ ۲- استفاده از روش‌های متنوع در تدریس برای جذاب و بانشاط کردن کلاس؛ ۳- شرکت‌دادن دانشجویان در بحث‌های کلاسی؛ ۴- استفاده از اینترنت؛ ۵- استفاده از ماهواره و ۶- استفاده از فیلم‌های جذاب و سرودهای زیبا. بررسی تحلیل داده‌های شش گفتار این سؤال نشان داد که در مجموع ۲۸/۱۶۶ درصد از دانشجویان، در سطح بالا، ۱۱/۸۶۶ از آنان در سطح متوسط و ۵۹/۹۶۸ نیز در سطح پایین، میزان استفاده مدرسان از ابزارهای فوق را برای افزایش کارایی و بالابردن نشاط و جذابیت کلاس، مؤثر دانسته‌اند.

جدول ۲ توزیع فراوانی نسبی استفاده مدرسان از ابزارهای مختلف، برای بالا بردن نشاط و کارایی کلاس از نظر دانشجویان

کل (درصد)	پایین (درصد)	متوسط (درصد)	بالا (درصد)	میزان استفاده مدرسان از ابزارهای متنوع، برای افزایش کارایی و بالا بردن نشاط و جذابیت کلاس از نظر دانشجویان
۱۰۰	۵۹/۹۶۸	۱۱/۸۶۶	۲۸/۱۶۶	

۳-۶. میزان کارآمدی روش‌های تدریس مربوط به مهارت شنیداری

سؤال ۴: مدرسان شما تا چه اندازه در آزمایشگاه زبان از فنون شنیداری ذیل، استفاده کرده‌اند؟ عناصر معنایی شش گفتار این سؤال عبارت‌اند از:

۱- تمرینات شنیداری پی‌درپی و متنوع در مبحث تلفظ حروف و مخارج آن‌ها، در جلسات آغازین درس آزمایشگاه؛ ۲- تأکید مدرس بر درک مفهوم متن‌های شنیداری، نه فهم کلمه‌به‌کلمه؛ ۳- دادن اطلاعات جزئی (پیش‌زمینه) در مورد مطالبی که قرار است شنیده شود؛ ۴- بحث و مناقشه و سؤال و جواب بعد از شنیدن مطلب؛ ۵- استفاده از فیلم‌های عربی و ۶- استفاده از نوارهای آموزشی.

در مجموع، میانگین داده‌های به‌دست‌آمده از این سؤال نشان می‌دهد ۲۲/۷۶ درصد از

دانشجویان، در سطح بالا، ۳۱/۵۸ درصد در سطح متوسط و ۴۵/۶۶ درصد از دانشجویان هم این امر را در سطح پایینی استفاده از فنون شنیداری را مؤثر دانسته‌اند. اختلاف ۲۲/۹ درصد بین سطح بالا و پایین نشان می‌دهد که کلاس‌های آزمایشگاه زبان، نیازمند توجه بیشتر به فنون شنیداری صحیح هستند.

۴-۲-۶. میزان مفیدبودن بسته‌های آموزشی

سؤال ۵: با توجه به موارد زیر، بسته‌های آموزشی، شامل کتاب، نوار، فیلم و... را که در کلاس توسط مدرسان استفاده شده است تا چه اندازه مناسب می‌بینید؟
عناصر معنایی چهار گفتار این سؤال عبارت‌اند از: ۱- مطالب کافی؛ ۲- تمرینات متعدد، متنوع و کافی؛ ۳- نوشته‌ها و تصاویر جذاب و ۴- باکیفیت و جذاب بودن فیلم‌ها.
تحلیل چهار گفتار این سؤال نشان می‌دهد که در مجموع ۲۸/۷۲۵ درصد معتقد به کیفیت بالای بسته‌های آموزشی، ۱۲/۵۷۵ درصد معتقد به کیفیت متوسط این بسته‌ها و ۵۸/۷ درصد از دانشجویان هم معتقد به کیفیت پایین بسته‌های آموزشی هستند.

۷. بحث و بررسی مقایسه‌ای نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های

مربوط به دو گروه استادان و دانشجویان

تحلیل داده‌های مربوط به مؤلفه میزان انگیزه و ماهیت آن، نشان داد که برخلاف بسیاری از گمان‌ها دانشجویان در یادگیری مهارت‌های زبانی بی‌انگیزه نیستند؛ بلکه بیشتر دانشجویان بیان کردند که به خوبی ضرورت یادگیری مهارت‌های زبانی عربی را درک کرده‌اند. این در حالی است که انگیزه بیشتر آنان از نوع «انگیزه سازگاری» است؛ زیرا بیشتر آنان اعلام کردند که علاقه به قرآن و متون دینی و علاقه به ارتباط با اهل این زبان از مهم‌ترین انگیزه‌های آنان برای یادگیری مهارت‌های زبانی است. انگیزه استفاده از زبان عربی در مواقع ضرورت مثل سفر به کشورهای عربی و انگیزه دستیابی به شغل، به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار دارند و بقیه موارد در رتبه‌های پایین‌تری جای می‌گیرند.

با وجود این، بسیاری از صاحب‌نظران و مدرسان گروه‌های عربی، معتقدند که بی‌انگیزه‌گی از عوامل مهم ضعف دانشجویان این رشته است (رسولی، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۶؛ سلیمی ۱۳۸۶: ۱۸۰).

به نظر می‌رسد که بسیاری، دو میحث بی‌انگیزه‌گی و بی‌نشاطی را از یکدیگر جدا نمی‌دانند. بر اساس یافته‌های این تحقیق و مصاحبه‌های جداگانه نگارندگان با دانشجویان، بسیاری از آنان از انگیزه کافی برای یادگیری مهارت‌های زبانی و رشد آن‌ها برخوردارند ولی همگی از نوعی بی‌نشاطی و ملالت در یادگیری خود رنج می‌برند؛ از این‌رو باید دید چه عواملی سبب این بی‌نشاطی و در نتیجه ضعف دانشجویان شده است.

در مؤلفه مهم‌ترین عوامل بی‌نشاطی دانشجویان، بیشتر استادان روش‌های تدریس ناکارآمد را از مهم‌ترین عوامل این بی‌نشاطی دانستند. نبود بسته‌های آموزشی مناسب (کتاب، نوار، سی‌دی و...) دوّمین عامل تأثیرگذار بود. دو عامل نبود آینده شغلی مناسب و نگرش دانشجویان نسبت به دشواری یادگیری مهارت‌های زبانی به ترتیب، در رده‌های بعدی قرار گرفتند. حجت رسولی (۱۳۸۴: ۴۳-۵۸)، شکیب انصاری (۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۸۸) و سلیمی (۱۳۸۶: ۱۷۵-۱۹۸) نیز بر روش‌های ناکارآمد تدریس در این رشته تأکید کرده و آن را از عوامل مهم بی‌نشاطی و ضعف دانشجویان این رشته دانسته‌اند. همچنین استادان ذکر کرده‌اند که جایگاه زبان عربی در ایران بر خلاف بسیاری از گمان‌ها تأثیر کمی در ضعف دانشجویان در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی دارد. شایان ذکر است که این امر به معنی جایگاه مناسب زبان عربی در ایران نیست؛ بلکه بدان معنی است که از نظر بیشتر استادان با بهبود عواملی همچون روش‌های تدریس و کیفیت بسته‌های آموزشی می‌توان بر نشاط و شادابی دانشجویان افزود؛ هر چند زبان عربی از جایگاه مناسبی در جامعه برخوردار نباشد.

تحلیل داده‌های مربوط به دانشجویان نیز با دیدگاه‌های استادان هماهنگ است. تحلیل داده‌های مربوط به مؤلفه میزان کارآمدی روش‌های تدریس استادان برای بالابردن نشاط دانشجویان، نشان داد که بیشتر دانشجویان (۵۹/۹۶۷ درصد) در سطح بسیار بالایی معتقدند که روش‌های تدریس استادانشان در کلاس برای بالا بردن نشاط و شادابی آنان ناکارآمد است. از این‌رو می‌توان گفت یکی از عوامل بی‌نشاطی دانشجویان، روش‌های تدریس ناکارآمد مدرسان است.

در مورد جوابگو بودن بسته‌های آموزشی، هم بیشتر استادان و دانشجویان بر نامناسب و ناکارآمد بودن این بسته‌ها تأکید داشتند.

از عوامل دیگری که سبب بی‌نشاطی دانشجویان شده است، روش‌های ناکارآمد تدریس دروس مربوط به مهارت شنیداری است. بسیاری از دانشجویان در مؤلفه میزان کارآمدی

روش‌های تدریس مهارت شنیدن، بر آن تأکید کردند و استادان معتقد بودند به این مهارت توجه کمتری نسبت به مهارت‌های دیگر می‌شود و دانشجویان در آن ضعیف‌تر هستند. از آنجا که رشد این مهارت سبب رشد دیگر مهارت‌ها می‌شود می‌توان گفت که بی‌توجهی به این مهارت و روش‌های غلط تدریس دروس مربوط به آن، از عوامل مهم بی‌نشاطی دانشجویان و در نتیجه ضعف آنان در یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی است. این داده‌ها با نظریات بسیاری از نظریه‌پردازان آموزش زبان‌های خارجی هماهنگ است. بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که مدرسان و زبان‌آموزان مهارت شنیداری را نادیده می‌گیرند؛ «چرا که نهایتاً توجه آنان به‌طور کامل به هدف «صحبت‌کردن» معطوف می‌گردد، نیاز به رشد فعالیت‌های مهارت‌های درک مطلب را تشخیص نمی‌دهند که لازمه رشد مهارت‌های کاربردی گفتاری است. این جهت‌گیری اصلی در این سوال منعکس می‌شود: آیا شما صحبت می‌کنید؟ اما کسی نمی‌شنود که کسی سؤال کند: آیا شما متوجه می‌شوید؟ مسلماً کسی نمی‌تواند به زبانی صحبت کند تا اینکه بتواند آن زبان را بشنود. برای این‌که زبان‌آموزان یاد بگیرند زبان گفتاری را صحبت کنند، باید یاد به‌گیرند زبان گفتاری را بشنوند. اثر منفی‌ای که مهارت‌های رشد نیافته گوش‌دادن به زبان دوم می‌گذارد، [این است که] یادگیری آن را تا اندازه‌ای دشوار می‌سازد» (چستن، ۱۳۷۸: ۳۰۹). متخصصان، زبان‌آموز را هم‌چون کودکی دانسته‌اند که بعد از چند روز از ولادتش، شروع به آشنایی با صداها و پس از یک سال شروع به سخن گفتن می‌کند و با آغاز آموزش، صداهای شنیده شده نزد خود را برای آشنایی کلمات استفاده می‌کند، می‌خواند و می‌نویسد (مدکور، بی‌تا: ۷۰-۷۳). لذا بدون رشد مهارت شنیداری به عنوان یک مهارت پیش‌نیاز و کارآمد نمی‌توان مهارت‌های دیگر را رشد داد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم که مخصوص پرسشنامه اساتید بود، میزان مفید بودن شیوه‌های ارائه دروس مربوط به مهارت‌های زبانی است. بیشتر استادان در سطح بالایی معتقد بودند که ارائه این دروس به صورت مجزاً سبب رشد نامتوازن مهارت‌های زبانی دانشجویان شده است. همچنین بیشتر استادان بیان کردند که سرفصل‌های تعیین شده از طرف گروه، سبب پایین‌دیشان به این شیوه نادرست است. بسیاری از متخصصان آموزش زبان‌های خارجی هم تأکید کرده‌اند که شیوه مجزاً در ارائه دروس مربوط به مهارت‌های زبانی، سبب رشد نامتوازن این مهارت‌ها می‌شود (الرکابی، ۱۹۸۶: ۲۷؛ کراهنک، ۱۹۸۷: ۳۰-۴۴؛ میرحسینی، ۱۳۷۶: ۴۳).

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در مبحث ادبیات نظری این مقاله درباره بعضی از مهم‌ترین مسائل آموزش زبان‌های خارجی مطرح شد و در پی مطابقت این نظریات با آموزش مهارت‌های زبانی عربی در دانشگاه‌ها، از طریق روش پیمایش و ابزار پرسشنامه‌ای، نتایج مقاله به شرح ذیل است: پاسخ به سؤال یک تحقیق: از نظر بیشتر استادان، مهارت شنیداری در آموزش زبان عربی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و دانشجویان در آن، نسبت به دیگر مهارت‌ها ضعیف‌تر هستند.

پاسخ به سؤال دو تحقیق: مهم‌ترین عوامل بی‌نشاطی دانشجویان در یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی از نظر استادان به ترتیب عبارت‌اند از: روش‌های نادرست تدریس، فقدان بسته‌های آموزشی مناسب، نبود آینده شغلی مناسب، نگرش دانشجویان نسبت به دشواری یادگیری مهارت‌های زبانی عربی و جایگاه زبان عربی در ایران.

پاسخ به سؤال سه تحقیق: از نظر بیشتر استادان و دانشجویان میزان کارآمدی بسته‌های آموزشی موجود برای آموزش مهارت‌های زبانی عربی در دانشگاه‌ها، بسیار پایین است.

پاسخ به سؤال چهار تحقیق: از نظر بیشتر استادان، روش ارائهٔ دروس مربوط به مهارت‌های زبانی به صورت مجزا، سبب رشد نامتوازن این مهارت‌ها در دانشجویان شده است. همچنین از نظر بیشتر آنان شیوهٔ ارائهٔ دروس به صورت تلفیقی می‌تواند سودمندتر باشد.

پاسخ به سؤال پنج تحقیق: از نظر بیشتر دانشجویان، میزان کارآمدی روش‌های تدریس در دروس مربوط به مهارت‌های زبانی، برای بالابردن نشاط و شادابی یادگیری آنان، بسیار پایین است.

پاسخ به سؤال شش تحقیق: از نظر بیشتر دانشجویان، میزان کارآمدی روش‌های تدریس دروس مربوط به مهارت شنیداری، بسیار پایین است.

پاسخ به سؤال هفت تحقیق: با توجه به پاسخ‌های مطرح‌شده توسط استادان و دانشجویان به شش سؤال ذکر شده، به نظر می‌رسد، دانشجویان رشتهٔ زبان و ادبیات عربی برخلاف بسیاری از گمان‌ها دارای انگیزهٔ کافی برای یادگیری و رشد مهارت‌های زبانی هستند؛ ولی باوجود این انگیزهٔ بالا، از نوعی بی‌نشاطی و ملال در یادگیری این مهارت‌ها رنج می‌برند. نتیجهٔ این بی‌نشاطی، ضعف در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی است. عوامل مهم بی‌نشاطی و

ضعف دانشجویان در به‌کارگیری مهارت‌های زبانی عربی عبارت‌اند از: ۱- روش‌های نادرست تدریس و عدم استفاده مدرّسان از ابزارهایی مثل تشویق، مشارکت دانشجویان در بحث‌های کلاسی و عدم استفاده از رسانه‌های گروهی همچون ماهواره، اینترنت و...؛ ۲- فقدان بسته‌های آموزشی مناسب؛ ۳- فقدان یک جوّ مجازی تکلم به زبان عربی در گروه‌های عربی دانشگاه‌های کشور؛ ۴- کارآمد نبودن کلاس‌های آزمایشگاه زبان، به علت استفاده نکردن مدرّسان از شیوه‌ها و فنون شنیداری مناسب و ۵- تشتت و پراکندگی میان تدریس و ارائه دروس مربوط به مهارت‌های زبانی که باعث رشد نامتوازن مهارت‌های زبانی در دانشجویان شده است.

۹. راه‌کارها:

- ۱- تشکیل کلاس‌ها یا دوره‌های ضمن خدمت تابستانی برای مدرّسان مهارت‌های زبانی و استفاده از تجربیات مدرّسان زبان‌های خارجی مثل زبان انگلیسی و زبان فرانسه در این دوره‌ها، برای آشناساختن مدرّسان عربی با تازه‌ترین نظریات حوزه‌های آموزش زبان‌های خارجی؛
- ۲- تصویب طرح‌های پژوهشی میدانی و قراردادن این طرح‌ها در اختیار پژوهشگران برتر گروه‌های عربی دانشگاه‌های کشور، برای ریشه‌یابی عوامل اصلی ضعف دانشجویان در مهارت‌های زبانی عربی؛
- ۳- تألیف بسته‌های آموزشی مناسب شامل کتاب دانشجو، کتاب راهنمای مدرس، سی‌دی و یا نوارهای آموزشی با رعایت نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان حوزه زبان‌های خارجی و استفاده از عقل و خرد جمعی مدرّسان برتر مهارت‌های زبانی عربی در دانشگاه‌های کشور؛
- ۴- بازنگری در شیوه ارائه واحدهای دروس مربوط به مهارت‌های زبانی و تلاش برای تلفیق بیشتر میان ارائه و تدریس این دروس؛
- ۵- تأسیس نشریات و مجلات تخصصی در حوزه «آموزش زبان عربی» و به‌ویژه در حوزه «آموزش مهارت‌های زبانی».

۱۰. منابع

- الجستن، کنت. (۱۳۷۸). *گسترش مهارت‌های آموزش زبان دوم (تئوری و عملی)*. ترجمه محمود نورمحمدی. ج. ۱. تهران: رهنما.

- الركابی، جودت. (۱۹۸۶). طرق تدريس اللغة العربية. الطبعة الثانية. دمشق: دارالفکر.
- رسولی، حجت. (۱۳۸۴). «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران (مبانی تعریف گرایش‌ها)». *مجله پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*. ش. ۴۷-۴۸. پاییز و زمستان.
- ژیرار، دنی. (۱۳۶۵). *زبان‌شناسی کاربردی و علم آموزش زبان*. ترجمه گیتی دیهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سلیمی، علی. (۱۳۸۶). «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران (نقص‌ها، کاستی‌ها و راهکارها)». *مجموعه مقالات همایش مدیران گروه‌های عربی کشور*. دانشگاه بوعلی همدان. تیرماه.
- شکیب انصاری، محمود. (۱۳۷۹). «نقد و بررسی آموزش مکالمه عربی در دانشگاه‌ها». *فصلنامه علوم انسانی*. ش ۲. تابستان.
- قائم، مرتضی. (۱۳۸۶). «آموزش مهارت نوشتن در ایران موانع و راهکارها». *مجموعه مقالات همایش مدیران گروه‌های عربی کشور*. دانشگاه بوعلی همدان. تیرماه.
- گرجیان، بهمن. (۱۳۷۲). «نقش انگیزش در فرایند آموزش و یادگیری زبان انگلیسی». *مجله رشد آموزش زبان*. ش ۲۹. بهار.
- گروه زبان‌شناسی کاربردی و آموزش زبان‌ها. (۱۳۶۲). *قلمرو زبان فارسی و آموزش زبان‌های بیگانه، هفت مقاله*. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مدکور، علی احمد. (بی‌تا). *تدریس اللغة العربية*. بیروت: دار الفکر العربی.
- میرحسینی، اکبر. (۱۳۷۶). «تقویت مهارت‌شنیداری در یادگیری زبان دوم». *مجله رشد آموزش زبان*. ش ۵. زمستان.
- میرزایی، فرامرز؛ نظری، علی. (۱۳۸۴). «ارائه یک الگوی مناسب جهت کسب مهارت خواندن زبان عربی (برای دانشجویان رشته حقوق)». *مجله انجمن*. ش ۲. تابستان.
- ولتر، دیفد. (۲۰۰۸). «اللغات الثانية كيف تتعلمها و نعلمها». www.pdfactory.com.

- Brown, H. D. (2000). *Principles of Language Learning and Teaching (Fourth Edition)*. Essex: Longman
- Dornyei, Z. (2001). *Motivational Strategies in the Language Classroom*. Cambridge University Press.
- Dornyei, Z. (2006). "Creating a motivating classroom environment." In J. Cummins and C. Davison (Eds). *The Handbook of English Language Teaching*. New York: Springer.
- Dornyei, Z. and Csizer, K. (1998). "Ten commandments for motivating language learners: results of an empirical study". *Language Teaching Research*, 2.
- Gardner, R. C. & Lambert, W. E. (1972). *Attitudes and motivation in second language learning*. Newbury House: Rowley. MA.
- Gardner, R. C. & MacIntyre, P. D. (1991). "An instrumental motivation in language study: who says it isn't effective? " *Studies in Second Language Acquisition*, 13.
- Krahnke, K. (1987). *Approaches to syllabus design for foreign language teaching*. New York: Prentice Hall.
- Kumaravadivelu, B. (1994). "The postmethod condition: (E) merging strategies for second/foreign language teaching". *TESOL Quarterly*. 28.
- Morley, J. (1999). Current perspectives on improving aural comprehension. Retrieved from. <http://www.eslmag.com/MorleyAuralStory.htm>.
- Widdowson, H. (1990). *Aspects of Language Teaching*. Oxford: Oxford University Press.
- Widdowson, H. G. (2003). *Defining issues in English language teaching*. Oxford: Oxford University Press.